

امتحانات تمرکز تکمیلی نیمسال دوم ۱۴۰۰-۱۳۹۹

رشته و اصول

مهر مدرسه

نام و نام خانوادگی: ۱۰ صبح نمره: ۱۳ مدت پانگونی: ۶۰ دقیقه

شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

کد امتحان:	۳۴۰۰۲/۰۳
تاریخ آزمون:	۱۴۰۰/۰۴/۰۳
عنوان:	اصول فقه ۲
کتاب:	حلقه ثالثه
محدوده:	جزء اول: از ابتدای الدلیل الشرعی غیر اللفظی تا ابتدای المسئولیه عن المقدمات قبل الوقت (ص ۳۳۹-۱۷۹)
حذقیات:	ندارد

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلایی: مدرسه علمی: شهرستان: استان:

۱- چرا حکمی که از فعل معصوم علیه السلام کشف می شود را نمی توان به کل حالات تعمیم داد؟ ص ۱۸۰

- الف. لاحتمال خصوصیه للمعصوم (ع) ☐
- ب. لوجود القرینه علی التقیید دائماً ☐
- ج. لعدم الاطلاق فی الفعل ☒
- د. لعدم حجیه فعله (ع) لنا ☐

۲- کدام روایت از جهت دلالت بر «حجیت خبر واحد» تمام می باشد؟ جزء اول ص ۲۳۳

- الف. یونس ثقة أخذ عنه معالم دینی، فقال (ع): نعم ☒
- ب. یا أبان إذا قدمت الکوفة فارو هذا الحديث ☐
- ج. إذا أردت حديثاً فعليك بهذا الجالس ☐
- د. ربّ حامل فقه الی من هو أفقه منه ☐

۳- به نظر شهید صدر (ره) منطوق آیه شریفه نبأ بیانگر تبیین در چه مواردی است؟ ص ۲۴۸

- الف. خبر غیر الفقه و ان کان عادلاً ☐
- ب. خبر الفاسق ان کان غیر ثقة ☒
- ج. خبر الفاسق و ان کان ثقة ☐
- د. خبر الفاسق مطلقاً ☐

۴- چرا شهید صدر (ره) «ظهور تصویری» را به عنوان موضوع «حجیت ظهور» نمی پذیرد؟ ص ۲۶۸

- الف. لانّ الظهور التصوری لیس ظهوراً حقیقه ☐
- ب. لانّ معنی الحجیه المعذریه و المنجزیه ☐
- ج. لانّ الظهور التصوری لا یتغیّر بالقرینه ☐
- د. لانّ المقصود من الحجیه تعیین المراد ☒

۵- قدرت در کدام یک از مراتب و مراحل تکلیف، بدون شک، شرطیت دارد؟ ص ۲۹۹ پ آخر

- الف. الجعل ☐
- ب. الملاک ☐
- ج. الإراده ☐
- د. الإدانة ☒

۶- وظیفه کلی در هنگام «تزامم» چیست؟ ص ۳۱۴

- الف. تقدیم الواجب علی الحرام ☐
- ب. تقدیم الایهم ملاکاً ☒
- ج. رجوع الی الاصول ☐
- د. التخییر الشرعی ☐

۷- منطق قدیم یقین‌آوری «تواتر» را چگونه تبیین می‌کند؟ نظر شهید صدر^(ه) را درباره آن بنویسید. ص ۱۹۷

۲

جواب: علم منطق قضیه متواتر را مستنتج از دو مقدمه می‌داند: ۱. وجود عدد کبیر از مخبرین ۲. توافق بر کذب چنین عددی از مخبرین ممتنع است. [از اولیات عقلی] (۱ نمره) نظر شهید صدر^(ه) یقین به قضیه متواتر یقینی موضوعی استقرائی است که از تراکم احتمالات حاصل می‌شود و کبرایی را که منطق اولی می‌داند در حقیقت قضیه‌ای تجربی است که یقین به آن از تراکم احتمالات حاصل شده است و از این رو است که حصول یقین در تواتر مرتبط است به هر آن چه که در تقویت قرائن احتمالیه دخیل است. (۱ نمره) [رساندن مفهوم کفایت می‌کند].

۸- اصطلاح «اجماع مرکب» را تعریف نمایید و با توجه به عبارت: «فی المقام نعلم بالخطأ عند أحد الفريقين المتنازعين، فلا يمكن أن تدخل القيم الاحتمالية كلها في تكوين الكشف» وجه عدم حجیت اجماع مرکب را توضیح دهید. ص ۲۱۵ و ۲۱۶

۲

جواب: اجماع مرکب عبارت است از: در مسأله‌ای که سه رأی احتمال داشته باشد، اگر فقهاء دو دسته بشوند به گونه‌ای که یک دسته یک رأی را اختیار کند و دسته دوم رأی دیگری را، اجماع مرکب شکل می‌گیرد بر نفی رأی سوم. (۵/۰ نمره) حجیت اجماع بر اساس حساب احتمالات و تجمیع قرائن صدق و زائل کردن احتمال خلاف بود، در حالی که ما در اینجا می‌دانیم یک دسته از فقهاء حتماً به خطا رفته‌اند، چون ممکن نیست هر دو دسته درست گفته باشند، لذا بین این دو دسته تعارض می‌شود و هیچ‌یک مرجحی بر دیگری ندارد و قول هر دو ساقط می‌شود، وقتی رأی این دو دسته ساقط شد مدلول التزامی کلام آن‌ها هم از حجیت ساقط می‌شود، زیرا مدلول التزامی تابع مدلول مطابقی است و با سقوط مطابقی، التزامی هم ساقط می‌شود. (۵/۱ نمره) [رساندن مفهوم کفایت می‌کند].

۹- اعتراض مطرح در عبارت: «هناك اعتراض يواجه الاستدلال بالسيرة في اثبات حجية الخبر و هو: ان السيرة مردوع عنها بالآيات الناهية عن العمل بالظن الشاملة باطلاقها لخبر الواحد و اجاب عنه: من ان الردع عن السيرة بتلك العمومات الناهية غير معقول لانه دور» را توضیح داده، مراد از «دور» در جواب را تنقیح کنید. جزء اول ص ۲۳۷ و ۲۳۸

۲

جواب: برای حجیت خبر واحد به سیره تمسک کرده‌اند و لکن اشکالی مطرح است: سیره زمانی حجت است که از جانب شارع ردع نشده باشد، ولی می‌دانیم که اطلاق «آیات ناهی از عمل به ظن» سیره عمل به خبر واحد را ردع می‌کند پس نمی‌توان به سیره تمسک کرد. صاحب کفایه^(ه) به این صورت جواب داده‌اند عمومات نمی‌توانند سیره را ردع کنند زیرا مستلزم دور است به این بیان که ردع به وسیله این عمومات (اطلاقات) متوقف است بر اینکه این عمومات حجت باشند و این حجیت متوقف است بر عدم وجود مخصّص (یعنی عدم وجود سیره که مخصّص است) و عدم وجود سیره (مخصّص) متوقف است بر اینکه عمومات سیره را ردع کنند. [ردع متوقف است بر عدم سیره (مخصّص) و عدم سیره متوقف است بر ردع].

۱۰- آیا حجیت ظهور مختص ظن فعلی مطابق ظهور است؟ نظر شهید صدر^(ه) را با دلیل بنویسید. ص ۲۸۱

۲

جواب: خیر (۵/۰ نمره) شهید صدر^(ه) در این باره می‌گوید که ملاک حجیت ظهور کاشفیت آن است ولی نه کاشفیت نزد مکلف بلکه کاشفیت نزد مولا به این معنا که گاهی مولا تفصیلاً ظواهر کلامش را لحاظ می‌کند و می‌تواند به صورت جازم مشخص کند کدام‌یک از ظواهر را اراده کرده است و گاهی اجمالاً به این نحو که اغلب اوقات این ظواهر مراد مولا است و این غلبه کاشف ظنی که مولا در تمام ظهورات معنای ظاهر را اراده کرده است و این کشف ملاک حجیت است زیرا حجیت اماره (ظهور) به دلیل حفظ اغراض واقعیه اکثر اهمیه است و البته این اکثر اهمیه نزد مولا ملاک است نه مکلف. (۵/۱ نمره) [رساندن مفهوم کفایت می‌کند]

۱۱- دلیل شهید صدر^(ه) بر امکان «ترتّب» را به همراه سه مقدمه آن به اختصار بنویسید. ص ۳۱۰-۳۰۹

۲

جواب: نکته اول: امر بین ضدین به لحاظ مبادی و جعل متضاد نیستند و تنافی و تزاحم آنها به لحاظ عالم امتثال است. نکته دوم: اگر وجوب یکی از دو ضد، مقید به عدم امتثال تکلیف به ضد دیگر (یا بنای عصیان آن) باشد وجوب مشروط است و محال است این وجوب مشروط در فاعلیت و محرکیتش منافی [تکلیف] ضد دیگر باشد زیرا عدم امتثال، قید وجوب است و قید وجوب، مقدمه وجوب است و وجوب، داعی و محرک نسبت به آن (قید وجوب) نیست. نکته سوم: تکلیف به ضد دیگر یا مانند ضد اول مشروط به عدم امتثال ضد است که در این صورت مانند بیان سابق ممتنع است منافی محرکیت و امتثال ضد اول باشد و یا مطلق است در این صورت اگر چه می‌توان عدم امتثال وجوب مشروط ضد اول را به آن مستند نمود و لکن این استناد به معنای این است که امتثال واجب مطلق توسط مکلف مساوی است با نفی شرط واجب مشروط و در نتیجه نفی فاعلیت واجب مشروط و نه اینکه واجب مشروط فاعلیت داشته باشد و این واجب مطلق مانع امتثال آن باشد، طبق این برهان امر به ضدین به نحوی که حداقل یکی از آن دو مشروط به عدم امتثال دیگری باشد، محال نیست و تنافی بین آن دو نیست. [رساندن مفهوم کفایت می‌کند]